



حضور امام رضا و گسترش تحولات تشیع در خراسان بزرگ و انعکاس آن در آثار تاریخی وقف شده آستان قدس رضوی

محمد جواد جعفری^۱، سید اصغر محمودآبادی^۲ , کیوان لولویی^۳، حمیدرضا جدیدی^۴

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران javadjafarii1337@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استاد گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران asghar.mahmoodabadi@gmail.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران k.loloie@gmail.com

^۴ استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران jadidi.hamidreza@ymail.com

چکیده

مردم خراسان بزرگ در نیمه نخست قرن اول هجری، اسلام را پذیرفتند. در این هنگام تشیع طرفداران محدودی داشت لیکن از آغاز سده سوم با وجود اقتدار حاکمان عباسی اهل سنت، تشیع مذهب غالب مردم شهرها و روستاهای خراسان گردید. شروع این کار با حضور امام رضا (ع) و اقدامات ایشان بود. ولی در ادوار تاریخی بعد از آن تا قرن دهم دوباره تشیع در اقلیت قرار گرفت. با این حال در نتیجه عوامل مختلفی مجدداً تشیع در این منطق رونق گرفت. مسئله ای که در اینجا می توان مطرح کرد میزان تأثیرگذاری موقوفات آستان قدس رضوی در گسترش تشیع است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای انجام شده است. یافته های پژوهش حاکی از این است که توسعه فرهنگ شیعه از کارکردهای موقوفات آستان قدس است و در راستای این کارکرد، اقدامات چون رشد مراکز علمی و آموزشی، ایجاد و توسعه کتابخانه ها و کتاب های علمی و مذهبی، ایجاد فضاهای زیارتی و عبادی، دایر کردن دارالشفاء، برگزاری مراسمات مذهبی عزاداری و اعیاد انجام شده است. افزایش موقوفات آستان قدس را نشان می دهد که موقوفات در راستای گسترش تشیع گام برداشتند و ایجاد و توسعه امکانات رفاهی و فرهنگی در حرم رضوی فرهنگ شیعه را نهادینه کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی چگونگی و زمان گسترش تشیع در خراسان.

۲. مطالعه نقش موقوفات آستان قدس رضوی در گسترش تشیع در خراسان.

سوالات پژوهش:

۱. چه عاملی از قرن دهم به بعد تشیع را گسترش داد؟

۲. موقوفات آستان قدس رضوی به عنوان یکی از قدیمی ترین نهادهای مذهبی چه نقشی در گسترش

فرهنگ تشیع در خراسان داشتند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۱۰۹ الی ۱۲۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

امام رضا(ع)،

تشیع،

موقوفات آستان قدس رضوی،

خراسان.

ارجاع به این مقاله

جعفری، محمد جواد، محمود آبادی، سید

اصغر، لولویی، کیوان، جدیدی، حمید رضا.

(۱۴۰۰). حضور امام رضا و گسترش

تحولات تشیع در خراسان بزرگ و انعکاس

آن در آثار تاریخی وقف شده آستان قدس

رضوی. هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۱۰۹-۱۲۴.



[dori.net/dor/20.1001.1
.1735708.1400.18.43.8.1](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.43.8.1)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2020.236880.1286](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.236880.1286)

مقدمه

اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی از جایگاه والایی برخوردار است عوامل گسترش اسلام و تشیع از یکی از شهرهای حجاز (مکه) به نقاط قاره‌های دیگر جهان از مسائل مورد بحث در جوامع علمی دنیاست. تشیع که اصلی‌ترین فرق آن می‌باشد از قرن نخست هجری مورد قبول عده‌ای از مسلمانان در بعضی از مناطق جهان اسلام قرار گرفت. اقدامات همه جانبه امام‌رضا(ع) باعث شد مسلمانان اهل تسنن، زیدیه، اسماعیلیه و دیگر گرایش‌ها به تشیع امامی علاقه پیدا نمایند و تشیع را به‌عنوان مذهب خود قرار دهند. پس از شهادت امام و مسلط شدن حاکمان اهل تسنن در دوره‌های حکومت عباسیان، مغولان، تیموریان، ازبکان و... به تدریج مذهب مردم خراسان از تشیع به فرق مختلف تسنن تغییر پیدا نمود و تشیع در اقلیت قرار گرفت ولی با توجه به وجود مرقد و حرم امام رضا مردم و حاکمانی که گرایش‌های شیعی داشتند جهت ترویج و گسترش تشیع با وقف نمودن اموال و مستغلات و باغات و کشاورزی و منافع آن‌ها در طول تاریخ به ویژه در دوره صفویه که خود داعیه دار مذهب تشیع بودند و با اعلام رسمی مذهب تشیع در تمامی بلاد تحت تصرف حکومت خود از طریق ارزش‌گذاری بر تنها مرقد از امامان تشیع در ایران و وقف نمودن مستغلات و اموال فراوان در جهت گسترش تشیع از راه ایجاد مدارس ابتدایی موسوم به مکتب‌خانه‌ها و مدارس عالی موسوم به حوزه‌های درسی فقه و علوم شیعه که با دعوت از علمای طراز اول تشیع از کشورهای عراق و لبنان انجام گرفت و تربیت شده‌گان فراوان که اسلام‌شناسان با انگیزه‌ای بودند در جای‌جای کشور پراکنده شدند و مشغول ترویج و گسترش تشیع امامی شدند اهمیت موضوع وقتی روشن می‌شود که کارکرد موقوفات را در راستای نهادینه کردن شعارها و ساختارهای شیعی بررسی شود. از آنجا که تاکنون کارکرد موقوفات آستان قدس از این منظر کمتر در کانون عنایت پژوهشگران واقع شده است، ضرورت انجام آن آشکار می‌شود.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد پیرامون موقوفات رضوی، تاکنون اثری با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. علیزاده بیرجندی و ناصری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان: «تأثیر کارکردهای متولیان آستان قدس رضوی در فرهنگ تشیع (مطالعه موردی عصر قاجاریه)» به بررسی تأثیر موقوفات بر رونق فرهنگ تشیع در دوره قاجار پرداخته است. نیک مهر و وکیلی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: «نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم (با تکیه بر وقفنامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس)» به بررسی اوقاف آستان قدس پرداخته‌اند. لذا پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای در صدد است تا آشکار سازد چگونه موقوفات زمینه‌های اجرایی شدن سیاست گسترش مذهبی صفویان و مردم دوستدار تشیع را در آستان مقدس حضرت رضا(ع) فراهم کردند.

۱. حضور امام رضا در خراسان

خراسان سرزمینی گسترده و پهناور، با شهرها و روستاها و باغستان‌های بسیار و جمعیت زیاد، در دوران استیلای اعراب به چهار ربع به نام یکی از چهار شهر بزرگ که در چهار سوی این سرزمین پهناور قرار داشت، نامیده می‌شد. این شهرها شامل نیشابور، مرو، هرات و بلخ در ادوار مختلف پایتخت این بخش‌های چهار گانه محسوب می‌شد، اما بعدها تغییراتی

متأثر از وضعیت سیاسی و عربی قلمرو ماوراءالنهر صورت گرفت؛ چون این قلمرو به لحاظ اداری ضمیمه خراسان شد؛ در آغاز قرن دوم خراسان یکپارچه و مرو مرکز آن شد. حاکم مرو برای کل خراسان تصمیم‌گیری می‌کرد؛ با این حال شهرهای بزرگ خراسان مثل بلخ، نیشابور، بخارا، هرات و خوارزم والی داشتند. بعد از پیروزی‌های اولیه مسلمانان در ایران که شرایط مناسب برای تسخیر ایران فراهم شد و مناطق مختلف یکی پس از دیگری به تصرف عرب‌ها درآمد. فتح خراسان به دلیل ویژگی‌های متعدد این ناحیه برای مسلمانان اهمیت خاصی داشت، زیرا در طول تاریخ، خراسان یکی از ایالت‌های مهم ایران به شمار می‌رفت؛ بنابراین تصرف آن برای اعراب بسیار مهم بود و با تسخیر این ناحیه، بخش بزرگی از ایران در اختیار مسلمانان قرار می‌گرفت.

حرکت امام علی بن موسی‌الرضا^(ع) از مدینه به مرو و استقرار وی در خراسان و آشنایی مردم ایران با امام در مقایسه با رفتار حاکمان اموی و عباسی و سران قبایل عرب ساکن خراسان نیز در کشش و گرایش ایرانیان به علویان و تشیع مؤثر بوده است. امام‌رضا^(ع) چه در مسیر حرکت خویش و چه در مرو، در مجالس و مناظرات مأمون، شایستگی و برتری علمی و سعه‌صدر خویش را آشکار ساخت و توجه دانشوران ایرانی را به خود جلب کرد. از جمله در نیشابور که شهر عظیم و بزرگ بود، حدیث معروف «سلسله الذهب» را بیان کرد. در مرو مردم به دلیل زمینه‌ای که برای بیان عقاید ایجاد شده بود، مباحثی نظیر امامت را مطرح می‌ساختند و راه و روش اسلام را درباره حاکمیت جستجو می‌کردند، امام‌رضا^(ع) در پاسخ عبدالعزیز بن مسلم به تشریح مقام امام و امامت پرداخت (ابن‌الشعبه الحرّانی، ۱۳۶۳: ۴۳۷-۴۳۶). و زمینه را برای دفاع از تشیع و ترویج و تبلیغ آن فراهم ساخت. مأمون خلیفه عباسی که خود را طرفدار علویان معرفی می‌کرد و برای اثبات صداقت خویش امام علی بن موسی‌الرضا^(ع) را به ولیعهدی انتخاب کرد، که خود نشان دهنده نفوذ و موقعیت علویان و فرزندان پیامبر^(ص) در بین ایرانیان و نوعی پاسخ مثبت مأمون به حامیان خود یعنی ایرانیان بوده است او نمی‌توانست نسبت به شیعیان و طرفداران خاندان پیامبر^(ص) سخت‌گیر باشد و تشیع و تبلیغ و ترویج تشیع را رسماً مانع گردد و این امر نیز موقعیت و فرصتی را برای شیعیان به ویژه در ایران فراهم ساخت (خواجویان، ۱۳۷۹: ۱۱۰). با توجه به اینکه اقدام مأمون در رابطه با دعوت از امام‌رضا^(ع) به دنبال رشد و تمایل مردم خراسان به مکتب اهل بیت و حاکمیت یافتن آنان اتخاذ شد و مأمون جهت راضی نگه‌داشتن مردم و مشروعیت حاکمیت خود دست به این اقدام زد (ناصری، ۱۳۸۶: ۳۶۳). طبیعی است حضور امام‌رضا^(ع) در مرو هر چند با عدم رضایت ایشان صورت گرفت ولی در سرنوشت تشیع در منطقه خراسان تأثیر مثبت بر جای گذاشت. امام‌رضا^(ع) در مقابل تصمیم مأمون به اجبار از مدینه به مرو مهاجرت کرد و با تهدید ولیعهدی را پذیرفت (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۳۴۲). و در این خصوص برنامه‌ریزی قبلی از طرف امام وجود نداشت و از مدینه تا مرو در زمان سکونت ایشان در مرو از سال ۲۰۱ تا ۲۰۳ قمری ایشان تحت نظر و مراقب ویژه قرار داشت. به همین دلیل فرصت فعالیت به صورت آزاد را نداشت و می‌بایست با شرایطی که برای حضرت فراهم کرده بودند اقدامات خود را انجام دهد. لیکن شاهد آن هستیم که حضور وی در مرو در جهات «کمی و کیفی» توانست شیعیان را تقویت و موجب گسترش تشیع گردد.

با آمدن و حضور امام علی بن موسی‌الرضا^(ع) در مرو به تعداد طرفداران و شیعیان افزوده شد، زیرا مردم از نقاط مختلف خراسان از جمله مرو، بلخ، سیستان، هرات، جوزجان، رنج، طالقان و غیره با سهولت به حضور ایشان شتافتند. مردم

مناطق مختلف با مشاهده نجابت، علم، نفوذ کلام، پارسایی و باورهای صحیح شیفته او شدند و مکتب و آیین تشیع را پذیرا شدند؛ چنان که صاحب کتاب تشیع در افغانستان می‌نویسد: آمدن حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) به خراسان موجب افزونی هواخواهان و شیعیان او در این سرزمین (افغانستان) گردید (حبیبی، ۱۳۵۹: ۸۰۴). و صاحب کتاب تاریخ تشیع در ایران در همین رابطه می‌افزاید: بعد از آن، وجود امام رضا^(ع) در خراسان سبب شد تا شخصیت آن حضرت به عنوان امام شیعه برای مردم شناخته شود؛ از این رو هواداران شیعه هر روز بیشتر و بیشتر می‌شدند و حیثیت علمی امام، مهم‌ترین عامل در توسعه مذهب شیعه به حساب می‌آید (جعفریان، ۱۳۷۲: ۲۲۱). در رابطه با تحت نظر و مراقبت از امام، عبدالسلام بن صالح هروی یکی از اصحاب امام که از اهالی هرات بوده، نقل می‌کند: به مأمون خبر رسید که علی بن موسی الرضا^(ع) مجالس بحث و کلام منقده کرده و مردم جذب دانش او شدند. مأمون به محمد بن عمرو طوسی دستور داد تا مردم را از جلسه امام طرد کند. وقتی امام متوجه این موضوع شد او را نفرین کرد و در ضمن از خداوند چنین خواست: خدایا از کسی که به من ظلم کرده، مرا خوار نموده و شیعیان را از در خانه من دور کرده، انتقام بگیر (صدوق، ۱۳۷۳: ۴۰۱). اقدامات علمی، عملی، اخلاقی و غیره امام رضا^(ع) در خراسان بر تعداد و شمار طرفداران مکتب اهل بیت به ویژه امام رضا^(ع) افزود و افزایش طرفداران امام در مرو و گسترش تشیع دوازده امامی به تدریج مأمون را واداشت علی‌رغم روابط خانوادگی و دوستی و دانش‌پروری دستور دهد مردم را از زیارت و مجالس عملی امام محروم کنند.

به طور طبیعی زمانی که امام رضا^(ع) در مدینه زندگی می‌کردند یکی از مشکلات شیعیان و دوست‌داران آن حضرت مسافت طولانی و دوری آنان از مرکز اصلی شیعیان، یعنی کوفه و مدینه و عدم دسترسی آنان به امام معصوم بود و روشن است در چنین وضعیتی اطلاعات آنان اندک باشد و عقایدشان نیز با کج فهمی و خرافات و برداشت‌های ناصحیح آمیخته شود. لیکن حضور امام رضا^(ع) در مرو هر چند محدود در سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ هجری این امکان را فراهم آورد تا از نزدیک مسائل اعتقادی و علمی و شرعی خود را از امام رضا^(ع) سؤال کنند و مهم‌تر از آن دانشمندان و عالمان اسلامی به ویژه شیعی مسائل مهم و پیچیده کلامی، فقهی، حدیثی و دیگر شبهات علمی را از امام رضا^(ع) جویا شوند و از منبع دانش لدنی اهل بیت به صورت مستقیم دانش آموزند. از این لحاظ آمدن امام به مرو بر کیفیت دانش و رشد فکری و علمی دانشمندان و مردم خراسان وسیع افزود چنان که صاحب کتاب تاریخ افغانستان بعد از اسلام به نقل از علامه شوشتری نوشته است: "فقه امامیه نیز از او رونقی گرفت؛ چنان که کتابی را در فقه به او نسبت دهند به نام فقه الرضا و نیز اصول الدین و الرساله الذهبیه و صحیفه الرضا ... به این امام منسوب است" (حبیبی، ۱۳۵۹: ۸۰۴). مضافاً به این که دانشمندان اسلامی و یاران و مردم خراسان از مناطق مختلف به مرو مراجعه می‌کردند و از محضر امام استفاده می‌کردند. امام نیز در مناسبت‌ها و فراخور حال افراد نامه‌هایی برای افراد متعدد و مختلف ارسال می‌کردند و در نامه‌ها موضوعات مهم فکری و مبتلابه مسلمانان را روشن‌نگری می‌نمودند. از جمله موضوعات مکاتبات آن حضرت مربوط به جایگاه اهل بیت^(ع) و کتاب و سنت. مسائل مورد اختلاف بین مذاهب اسلامی، موضوعات کلامی و دیگر موضوعات که مورد اختلاف بین علمای فرق اسلامی از جمله ایمان ابوطالب، مصادیق شیعه، مصادیق صحابه، معنای اولوالامر و دیگر آموزه‌های شیعی (ناصری، ۱۳۸۶: ۳۶۴).

۲. مهاجرت اعراب شیعی به خراسان

با فتح و تسخیر خراسان، مهاجرت عرب‌ها و مسلمانان به این ناحیه آغاز شد. در زمان عثمان، خلیفه سوم، عده‌ای از عرب‌ها به شکل قبیله‌ای و خانوادگی به مناطق دوردست قلمرو خلافت به ویژه شرق ایران (خراسان) مهاجرت کردند. و همچنین در زمان امویان قسمت‌های بزرگی از قبائل عرب «ازبصره» به ایران مخصوصاً به خراسان کوچ کرده بودند (برتولد، ۱۳۶۴: ۳۹). بخش عمده‌ای از این مهاجرت‌ها به علت فشارهای سیاسی و اجتماعی تحمیل شده از سوی خلافت و حاکمان محلی انجام می‌گرفت؛ زیرا در بررسی اقوام خانواده‌های مهاجرت داده شده، به ناراضیان خلافت برمی‌خوریم. این روند مهاجرت در دوره بنی امیه نیز ادامه داشت. زیاد ابن ابیه حاکم کوفه، شیعیان علی را که شورش مسلحانه کرده بودند با ایجاد چهار لشکر جنگ جو و فرماندهان مورد اعتماد خود سرکوب کرد و شیعیان علی که از بصره و کوفه بودند پس از سرکوبی با زن و فرزند ضمیمه‌ی پنجاه هزار چادر نشینانی کرد که از خراسان که یکی از ولایات شرقی ایران است آمده بودند (بروکلمان، ۱۳۴۶: ۱۰۳-۱۰۲).

در سال ۶۴ هجری قمری نیز دسته دیگری از اعراب به خراسان آمدند که بخش عمده آنان از کوفه و بصره بودند. در حقیقت علت پنهان این مهاجرت‌ها، دور کردن این قبایل و مهاجرت آنان به دورترین محل از مرکز خلافت بود تا از جانب آنان آسیب و تهدیدی به دستگاه خلافت وارد نشود. از سوی دیگر بسیاری از شیعیان و علویان که به علت اعتقادات و گرایش‌های شیعی در معرض اتهام بودند، برای رهایی از دست مأمورین حکومت ناچار به ترک وطن و مهاجرت می‌شدند. چنانکه از منابع تاریخی استفاده می‌شود بعد از کوفه و قم مرکز مستقل دوم برای فعالیت شیعیان خراسان و ماوراءالنهر بود (برتولد: ۱۳۶۴: ۳۲۶). این مناطق سرحدی همان‌گونه که توضیح داده شد، بدان علت اهمیت داشتند که مبلغان مذهب شیعه تحت تعقیب می‌توانستند به آنجا فرار کنند و مخفی شوند. با توجه به کثرت مهاجرت چنین افرادی و با در نظر گرفتن اهمیتی که این عرب‌ها در میان مسلمانان مغلوب داشتند، طبعاً موضع‌گیری آن‌ها، به ویژه در مسائل مذهبی تأثیرگذار بود؛ زیرا این عرب‌ها در مسائل سیاسی و مذهبی تحت تأثیر رهبران خود در منطقه یا در عراق بودند. و عجمانی که میان آن‌ها زندگی می‌کردند متأثر از این گرایش‌ها بودند (جعفریان، ۱۳۷۶: ۲۳). نمونه این قبایل یمنی‌های ساکن خراسان بودند که گرایش‌های شیعی داشتند. اهمیت حضور این قبایل در خراسان بدان اندازه است که وقتی «محمد بن علی بن عبدالله عباسی» زیاد ابومحمد، مولای همدان را به عنوان نخستین فرد برای دعوت عباسیان خراسان روانه می‌کرد، تاکید کرد: "بر قبایل یمنی وارد شو و میان قبایل یمنی و ربیعیه تبلیغ کن." محمد بن علی همچنین وی را از ملاقات مردی نیشابوری به نام «غالب نیشابوری» نهی کرد " زیرا «غالب» در حق «بنی فاطمه» افراط و مبالغه می‌کرد (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۴۲).

اهمیت تبلیغ برای میان قبایل «یمنی و ربیعیه» به خاطر آن بود که آن‌ها مخالفان اموی بودند و گرایش‌های شیعی داشتند؛ به گونه‌ای که سابقه گرایش بعضی از این قبایل یمنی به حضرت علی^(ع) در اکثر منابع آمده است. منقری می‌نویسد: قبیله ربیعیه و برخی از یمنی‌ها در جنگ صفین با علی بودند و مورد ستایش حضرت قرار گرفتند (منقری، ۱۳۷۰: ۱۹۲-۳۹۵).

۳. آثار تاریخی وقف شده خراسان

با شهادت علی بن موسی الرضا (ع) از یک سو علاقمندان به مکتب اهل بیت (ع) به ویژه امام رضا (ع) بیشتر می شدند و مشتاقان آن حضرت با تحمل زحمات بسیار به زیارت ایشان همت می گماشتند. از سوی دیگر، با گذشت زمان، فضاهای زیارتی همراه با معماری اسلامی و سنتی رونق و فزونی یافت. و از سوم سو تلاش برای ایجاد رفاه حال زائران آن حضرت در طول دوران مختلف به عنوان یکی از محورهای مهم فعالیت های متصدیان مشهدالرضا (ع) محسوب گردید. و سرانجام اسکان علما و سادات در جوار مرقد امام رضا (ع) در جهت تبلیغ دین و توسعه و ترویج تشیع نیز اهمیت بسزایی یافت. پس از مدتی در کنار قبر آن حضرت مسجدی ساخته و در اختیار زائران قرار می گیرد. به موازات ساختن مساجد رباطهایی نیز جهت سکونت زائران امام (ع) ساخته و متصدیان در آنجا به فعالیت می پرداختند و برای رفاه و آسایش زائران کوشش می کردند (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۲۸).

ظاهراً نخستین گروهی که در کنار قبر مطهر سکونت اختیار می کنند، خادمان روضه مبارکه، کسبه و اصناف بوده اند، از این تاریخ که زمان آن مشخص نیست، مشهد امام علی بن موسی الرضا (ع) محل مسکونی می شود و اندک اندک در آنجا سکونت می یابند و بعد از مدتی حالت یک قصبه را به خود می گیرند و به «مشهدرضا» معروف می گردد. در قرن سوم و چهارم هجری سه گروه در مشهد اقامت داشتند، نخست خادمان و کارگزاران روضه مبارکه، دوم علما و سادات که برای قرب جوار، تبلیغ احکام و اقامه شعائر دینی در آنجا سکونت داشتند و سوم افرادی که برای کسب و کار به آنجا رفته بودند و حوائج ساکنان و زائران را برآورده می کردند (همان: ۶۲۹).

آستان قدس رضوی یکی از مؤسسات مذهبی است که دارای موقوفات بسیار است. در ادوار تاریخ و قرون، از میان دوستان و شیعیان و شیفتگان علی بن موسی الرضا (ع) هر کس به قدر استعداد و توانایی خود مقداری از مایملک خود را برای آن بارگاه ملکوتی وقف کرده است تا زائران و نیازمندان از حاصل آن بهره مند گردند. بر طبق اسناد موجود، قدیمی ترین سند های وقفی مربوط به قرن دهم هستند. قدیمی ترین سند وقف غیرمنقول نیز مربوط به وقف نامه «عتیق علی طوسی» است که سال ۹۳۱ هجری تنظیم شد. و پس از آن وقفنامه سیدعلی حسینی گنابادی است که در سال ۹۵۷ هجری ملکی را در قریه زبید گناباد وقف آستان قدس کرده است (همان: ۵۵۴). موقوفات حضرت رضا (ع) در گذشته بسیار گسترده تر از امروز بوده و اکنون رقبات زیادی در افغانستان و یا در مناطق خوارزم و ماوراءالنهر که جزء منطقه خراسان بوده اند، واقع شده که با تغییر مرزهای سیاسی در آن طرف مرزها مانده اند. گفتنی است در قفقاز و کشور آذربایجان و در هند و پاکستان نیز در سابق موقوفه هایی وجود داشته است. تعدادی مؤسسه دینی به نام امام رضا (ع) در هند و پاکستان نیز اکنون وجود دارند که مورد توجه شیعیان آنجاست و مردم در روزهایی خاص در آن اماکن گرد هم می آیند و از فضائل و مناقب آن حضرت سخن می گویند و به نام آن امام نذر و نیاز می کنند. بیشتر املاک آستان قدس در حومه مشهد و بلوکات تابعه مشهد و سایر شهرستان های خراسان و معدودی نیز در تهران، قزوین، رشت، مازندران، آذربایجان، کرمان، اصفهان و شیراز است. برخی از املاک مزبور شش دانگ و پاره ای سهام، معدودی از آن وقف است (همان: ۵۵۸-۵۵۷).

در عصر ایلخانان، بیشتر موقوفات که برخی از این آثار در سال‌های پایانی و ضعف دولت ایلخانی و به دست امرای محلی صورت گرفت در ارتباط با شیعیان بوده و به اماکن متبرکه و شهرهای مذهبی مربوط می‌گردید. به عنوان نمونه غازان خان از املاک خود در خراسان، دهات و قصبات متعددی را وقف مرقد همچین به دستور اولجایتو، حرم امام رضا مرمت و نوسازی شد (فصیح خوافی، ۱۳۴۱: ۳۸۱). از زمان اولجایتو به بعد، شهر مشهد توان سیاسی عمده‌ای یافت (کریستن پرایس، ۱۳۸۱: ۱۰۴) و با گرد آمدن علما، سادات و بزرگان شیعی در آن، یکی از کانون‌های فعال این مذهب در خراسان گردید. چنانکه از گزارش ابن بطوطه بر می‌آید در سده هشتم هجری، روضه امام رضا از رونق و شکوه فراوانی برخوردار بود و نقیبانی که از جانب ایلخانان انتخاب می‌شدند، عهده‌دار اداره حرم بودند. نخستین کسی که در حکومت ایلخانان به نقابت مشهد امام رضا برگزیده شد، میرزا بدرالدین، معاصر سلطان محمد خداپنده بود (موتمن، ۱۳۴۸: ۶۸).

در قرن نهم هجری که مصادف با سلطنت تیموریان است، مشهد مقدس رضوی به صورت مرکزی دینی، فرهنگی، هنری و اقتصادی درآمد و مردم از اطراف و اکناف به آنجا می‌آمدند. شاهرخ امیر تیمور که در هرات حکومت می‌کرد، به مشهد مقدس عنایتی بسیار داشت. در این ایام به دلیل وجود امنیت، مردم از گوشه و کنار، برای زیارت به مشهد مشرف می‌شدند. در این دوره فضاهای جدیدی برای عبادت و زیارت ساخته می‌شد و در اختیار زائران حضرت رضا (ع) قرار می‌گرفت. گوهرشاد آغا رواق بزرگ دارالسیاده، رواق دارالحفاظ و رواق دارالسلام را ساخت و در همین زمان، مسجد مجلل و باشکوه گوهرشاد نیز بنا گردید (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۳۱-۶۳۰).



تصویر ۱: کلیات ایوان مقصوره، گلدسته‌ها و گنبد مسجد جامع گوهرشاد.

مسجد جامع گوهرشاد یکی از مهم‌ترین و زیباترین مساجد تاریخی در بلاد و اماکن اسلامی به شمار می‌رود. این مسجد باشکوه یادگاری از قرون گذشته و نمونه‌ای از معماری‌های سنتی اسلامی است که در جوار بارگاه ملکوتی علی‌بن-

موسی‌الرضا(ع) قرار گرفته و متصل به آن است. این مسجد در سال ۸۲۱ هجری بنا گردید و بانی آن گوهرشاد آغا فرزند امیرغیاث الدین ترخان و همسر شاهرخ، فرزند امیر تیمور گورکانی است که از خاندان مشهور و معروف در عهد تیموریان بودند. گوهرشاد آغا از بانوان بزرگ و نیکوکار عصر خود به شمار می‌رفت و یادگارهای بسیاری در مشهد رضوی و هرات از خود بر جای نهاد (همان: ۷۱۵). خواندمیر در این باره می‌نویسد: گوهرشاد آغا به صفت عفت و نَصَفَت اتصاف داشت و همواره همت عالی بر تعمیر بقاع خیر و اشاعه مبرات می‌گماشت از آثار او در شمال دارالسلطنه هرات، مدرسه و مسجد جامعیت در غایت زیب و زینت و در مشهد مقدسه رضویه نیز مسجد جمعه در کمال تکلف ساخته و مستقلات خوب و اسباب مرغوب بر این بقاع وقف نموده (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۶۸).

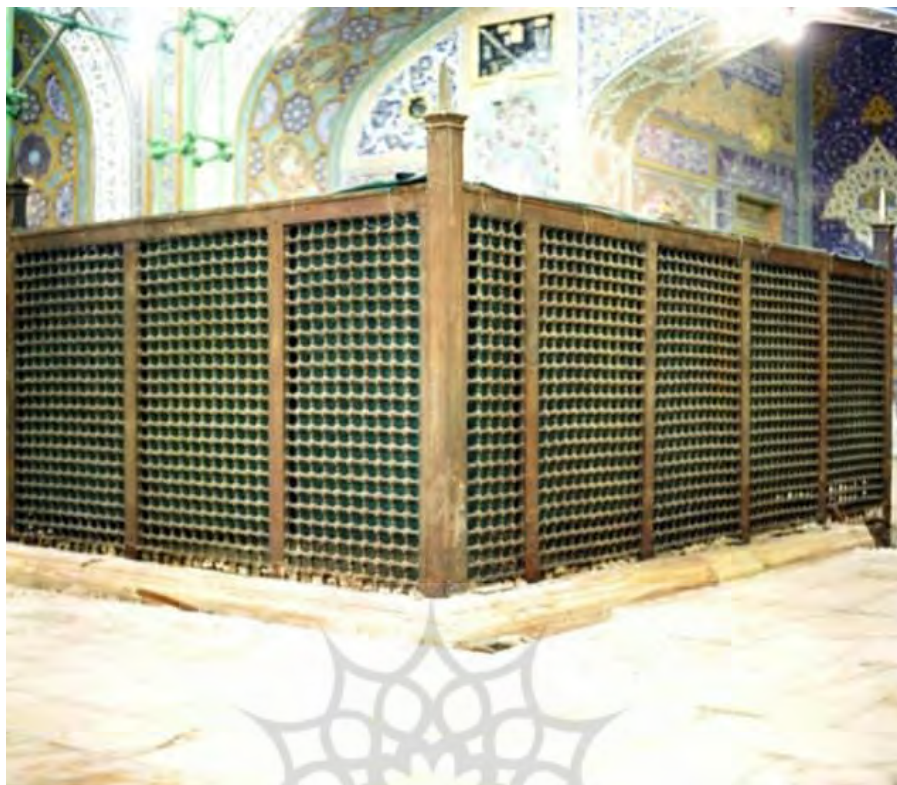
با تأسیس سلسله صفوی، تشیع مذهب رسمی ایران اعلام شد و تغییر مذهب در قالب اصل سیاست مذهبی صفویان در این دوره پیگیری شد و به اجرا درآمد. در اجرای این منظور، شاهان صفوی با گسترش فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات، بقاع متبرکه را در جایگاه مکانی برای اشاعه فرهنگ شیعه توسعه دادند و رونق بخشیدند. آستانه مقدس امام رضا(ع) در مشهد، در حکم تنها آرامگاه از امامان شیعه در ایران، مهم‌ترین آستانه مذهبی تلقی شد و در مرکز توجه صفویان قرار گرفت. شاهان صفوی به شیوه‌های مختلف شامل اختصاص بودجه‌های دولتی، وقف و اعطاء سیورغالات و صدقات به گسترش آن اهتمام ورزیدند و منافع متعددی را از آن مدنظر قرار دادند. از نتایج مهم عملکرد آنان، افزایش موقوفات حرم امام رضا(ع) بود که در راستای ایجاد مرکزی برای اشاعه فرهنگ شیعه، رونق و تداوم آن ادامه داشت. هدف در این قسمت مقاله بیان کارکرد توسعه موقوفات حرم حضرت رضا(ع) است. اجرای این سیاست در ارتباط با حرم امام رضا(ع) با حمایت درخور توجه واقفان اعم از حکومتی و مردمی همراه بود. همانطور که اشاره شد، صفویان برای گسترش فرهنگ شیعی، موقوفات مذهبی آستانه‌های مقدس شیعه را در ایران ترویج دادند و این آستان‌ها را توسعه دادند (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۲۰-۳۲۷؛ آقاجری، ۱۳۸۹: ۵۹۳-۵۹۲).

هدف سیاست مذهبی صفویان درباره بقاع متبرکه این بود که آن‌ها را به مراکز اشاعه فرهنگ شیعه تبدیل کنند. برای رسیدن به این هدف لازم بود ابتدا فضای این بقاع بازسازی شود و امکانات آن‌ها توسعه یابد تا شکوهمندی درخور آن‌ها ایجاد شود و برای جذب زائران بیشتر و اجرای برنامه‌های مذهبی فرهنگی مکان مناسبی شوند. برای جذب زائران نیاز به امکانات بین راهی و ایجاد تسهیلات بیشتر در محدوده آستان‌های بود. همه این مسائل در صورتی انجام پذیر بود که پشتوانه‌های مالی کافی در اختیار قرار می‌گرفت و نیروی انسانی آن تأمین می‌شد. درباره آستان مقدس حضرت رضا(ع)، موقوفات به خوبی از عهده این مهم برآمدند. شکل‌گیری و توسعه ساختار اداری آستان قدس رضوی از پیامدهای سیاست مذهبی صفویان بود (حسن آبادی، ۱۳۸۲: ۳۹ تا ۳۶).



تصویر ۲: نمایی از صفحه‌های طلائی با نقوش انگور در چهارگوشه ضریح شیر و شکر، از موقوفات دوره صفوی، واقف نامشخص. مأخذ: (جلالین: ۱۳۹۶).

در زمان قاجار که موسی خان تولیت آستانه را به عهده داشت موقوفاتی وقف آستان قدس کرد که از آن جمله، می‌توان به وقف اموال و مستغلات اشاره کرد در این دوران، کتابخانه آستان قدس توسعه پیدا کرد. ایجاد مکتب خانه‌ها متعدد توسط واقفان دولتی و مردمی در این دوره به شکل مدارس شبانه روزی جدید قابل توجه است چنانکه در سال ۱۲۶۲ ق. از درآمد موقوفات، مکتب‌خانه‌ها دائر شد و روزی یکصد دینار نقد و ده سیر نان، در هر شب جمعه، و دو دست لباس به هرنفر از شاگردان مکتب خانه، داده می‌شد (عطاردی، ۱۳۷۱: ۳۷۱). مکتب‌خانه‌ها، از دیرباز، پایگاهی اساسی در نظام آموزشی به شمار می‌آمده‌اند. در مشهد، مکتب‌خانه‌ها، اغلب، در مجاورت حرم امام رضا (ع) تشکیل شده بودند و تا پایان دوره قاجار به شکل‌های مختلف و تحت نام‌های متفاوت، به حیات خود ادامه دادند. عمده‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: مکتب‌خانه ایتام، مکتب‌خانه میرزا ابوالحسن خان، مکتب‌خانه صحن جدید (جهانپور، ۱۳۸۷: ۳۷). موقوفاتی هم توسط افراد خیر، برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود. اقدامات ارزنده موسی خان، در ایام تولیت، به ویژه توجه او به امور فرهنگی، توسعه و گسترش مراکز علمی، سبب پویایی امور آستانه و نشر مبانی دینی تشیع شد. ایجاد مدرسه‌هایی به سبک جدید، برای تحصیل فرزندان رعایا و بنای مسجدی در شمال شرقی خیابان شاه آباد، از دیگر اقدامات خیریه اوست.



تصویر ۳: ضریح مرصع نشان یا نگین نشان، حرم مطهر رضوی، وقف در سال ۱۱۶۳ ق.، دوره افشار. مأخذ: (سوزنجی: ۱۳۹۴).

۴. انعکاس تشیع در آثار وقفی خطه خراسان

در این قسمت پژوهش به دلیل اینکه بیشترین کارکرد موقوفات در گسترش تشیع در ایران به ویژه در خراسان از شروع حکومت صفویه بوده است به صورت مختصر به آن پرداخته می شود. حکومت صفویه ابتدا با اعمال قدرت تلاش کرد، مذهب تشیع را گسترش دهد از این رو، شمشیر صفویان در آراز بیش از هر عامل دیگری در تغییر مذهب اهل سنت به کار گرفته شد. لیکن پس از مدتی این روش ثمر بخش نبود. لذا تعلیم و تربیت، به عنوان نهادی تأثیرگذار مورد توجه حکومت صفوی قرار گرفت و آنان برای پیشبرد اهداف خود به ایجاد مراکز آموزشی اهتمام ورزیدند که در آن تعلیم علوم دینی و معارف تشیع محور بود. از اینگونه اقدامات می توان به تأسیس مکتب خانه برای کودکان یتیم در شهرهای مختلف به دستور شاه تهماسب اول اشاره کرد، از آن جمله مکتب خانه های در مجاورت حرم امام رضا (ع) بود که در هر مکتب خانه چهل دختر و پسر زیر نظر معلمان شیعه تحصیل می کردند، و کلیه هزینه آنان تأمین می شد و هرگاه به سن بلوغ می رسیدند، کودکان دیگری جایگزین آنان می شدند تا براساس مذهب تشیع تربیت شوند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۳). ویژگی مشترک همه آنها، اختصاص به مذهب رسمی کشور یعنی مذهب تشیع دوازده امامی بود و کسانی می توانستند در این مدارس تحصیل، تدریس یا حتی کارکنند که به مذهب تشیع امامیه معتقد باشند (اشکوری، ۱۳۸۰: ۹۰-۸۹). چنین چیزی در مدارس شهرهای مهم این دوره به روشنی مشاهده می شود. چنانکه در شهرهای اصفهان، شیراز و مشهد تأسیس یا فعالیت حتی یک مدرسه غیر شیعی نیز گزارش نشده است.

از ابتدای اسلام، آموزش و آموختن یکی ارکان مهم دین تلقی شده است و توصیه و تشویق اسلام به کسب دانش، از دلایل اصلی آشنایی مسلمانان با علوم به شمار می رود. مساجد، اولین نهاد تعلیم و تربیت بودند که در کنار وظایف دینی و اجتماعی خود، محلی برای آموختن قرآن، احکام دین، شرعیات و علوم مختلف به شمار می آمدند (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۳۰). ز اینرو، مسلمانان، از همان آغاز کوشیدند تا در کنار مسائل عبادی، به امر تعلیم و تربیت و بازگویی احکام و دستورات اسلام و قرآن همت گمارند. اینگونه مدارس، به عنوان کانون‌های اصلی آموزش و پرورش، از مساجد، در جهان اسلام، از اعتبار زیادی برخوردار شدند و نقش مهمی را در گسترش فرهنگ اسلامی و شیعی ایفا نمودند. نخستین موضوعات علمی در مدارس اسلامی، مسایل مرتبط به قرآن و فقه بود. در واقع جنبش علمی مسلمانان از مدینه آغاز شد و نخستین کتابی که توجه مسلمانان را به خود جلب کرد، قرآن بود. از این رو، شایع ترین نوع وقف، وقف قرآن بود.

بررسی نقش مدارس در گسترش تشیع در ایران عصر صفوی نشان دهنده تأثیر مدارس موقوفه بر روند گسترش تشیع دوازده امامی در ایران است. احداث مدارس در عصر صفوی از رشد صعودی و از حمایت حکومت صفوی برخوردار بود. در وقف نامه های مدارس به ویژه مدارسی که از موقوفات و امکانات مالی بیشتری برخوردار بودند، به برگزاری شعائر مذهبی شیعه توجه می شد. مدارس در این دوره تاحد ممکن به مذهب رسمی کشور و معارف شیعه اختصاص داشت. مدرسه از طریق تعلیم یافتگان خود نقش مهمی را در ترویج و گسترش تشیع در جامعه ایفا کرد. آنان پس از تعلیم در مدارس به ویژه مدارس شهرهای بزرگ در سمت‌های مختلف رسمی و غیررسمی در تثبیت و گسترش تشیع تأثیرگذار بودند.

برای نشان دادن سیر صعودی گسترش مدارس در عصر صفوی می‌توان شهرهای مشهد و شیراز را مثال زد. در مشهد هفت مدرسه مهم ساخته شد که همه آن‌ها مربوط به دوره شاه عباس اول و پس از او در عصر صفوی است. در شیراز عصر صفوی، حدود ده مدرسه مهم فعالیت آموزشی داشت که هشت مدرسه آن در دوره شاه عباس اول و پس از آن تأسیس شد. چنین روندی در سایر شهرهای عصر صفوی مانند اصفهان نیز، مشاهده می‌شود. یکی از عوامل رشد کمی و کیفی مدارس در عصر صفویه، گسترش نهاد وقف است. در سایه ثبات سیاسی و شکوفایی اقتصادی فراهم آمده در دوره شاه عباس اول، زمینه برای رشد هرچه بیشتر نهاد وقف فراهم آمد، به گونه‌ای که بعضی از نویسندگان، این دوره را «عصر وقف» نامیده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۱۳). سازمان اداری و مالی مدارس در این دوره به طور کامل وابسته به نهاد وقف بود، وقفنامه مدرسه به منزله آیین نامه و سند اجرایی و نظارتی مدرسه بود و متولی، مدرس و سایر کارکنان مدرسه از نظر شرعی و اخلاقی ملزم به رعایت مواردی بودند که در وقفنامه مدرسه ذکر شده بود. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آنان از احداث مدرسه، ترویج مذهب تشیع و تقویت فقه دوازده امامی بود که به روشنی در وقفنامه های مدارس انعکاس یافته است. صدر، یکی از بازوهای مهم ترویج مذهب تشیع به ویژه در اوایل عصر صفوی، عالی‌ترین منصب در رسیدگی به امور موقوفات بود، از همین رو، اداره مدارس که به وسیله شاهان صفوی تأسیس می‌شد به نیابت از آنان به او واگذار می‌شد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳-۲).

از همین رو، گسترش و تقویت فقه شیعه یکی از نیازمندی های اساسی حکومت و جامعه عصر صفوی بود. اهتمام بسیار مدارس به متون فقهی از عوامل مهم و تأثیرگذار رشد تشیع فقهی در ایران بود. بنابراین، اندک اندک رویکرد فقهی بر رویکرد حکمی چیره شد، به گونه ای که از میانه عصر صفوی، مراکز علمی و فقهی ایران مانند اصفهان و مشهد به مهم ترین کانون های فقهی شیعه بدل شد و مراکز دینی تشیع در عراق را تحت تأثیر قرار داد. بنابراین، متون فقهی شیعه به صورت گسترده ای در مدارس مورد تعلیم و تعلم قرار گرفت که پیش از آن سابقه نداشت. پس از فارغ التحصیلی، این تربیت یافتگان که به عنوان کارشناسان تشیع بودند جهت گسترش تشیع برای تبلیغ اعزام می شدند. مناطقی که جمعیت قابل توجهی از آنان را اهل سنت تشکیل می دادند، مدرسه و مدرسان و تعلیم یافتگان مدارس می توانستند، نقش مهمی در ترویج مذهب تشیع داشته باشند. در منابع عصر صفوی گزارش هایی مبنی بر فرستادن طلاب مدارس به عنوان مبلغ مذهب تشیع به مناطق سنی نشین مانند بدخشان وجود دارد، چنین رویدادی را نویسنده وقایع السنین والاعوام خود از نزدیک مشاهده کرده است (حسینی خاتون-آبادی، ۱۳۵۲: ۵۳۲-۵۳۱).

افندی درباره شیخ عزالدین حسین، پدر شیخ بهایی، که مدتی در هرات به منصب شیخ الاسلامی و همچنین تدریس اشتغال داشت، می گوید: در مدت هشت سالی که به تدریس و افاده علوم دینی مشغول بود، توانست در شهر هرات که اکثریت آن اهل سنت بودند تعدادی از مردم هرات و نواحی اطراف آن را به تشیع بگرداند (افندی، ۱۴۰۱ ق، ۱۳۴). شیخ بهایی نیز پس از اینکه پدرش از سمت شیخ الاسلامی کناره گرفت و به خارج از ایران سفر کرد به مدت پنج سال در هرات حضور داشت و او نیز مانند پدرش برای رشد اندیشه های تشیع امامی و تربیت طلاب بسیار تلاش کرد (افندی، ۱۴۰۱ ق، ۱۳۴). نقش مدارس در گسترش و تعمیق تشیع دوازده امامی در ایران عصر صفوی و تبدیل جامعه ای از اکثریت سنی به اکثریت شیعه از نتایج کارکرد مدارس موقوفه عصر صفوی است.

یکی دیگر از دستاوردهای موقوفات ایجاد کتابخانه ها و تکثیر کتب که به دلیل عدم وجود صنعت چاپ به صورت باز نویسی توسط طلاب و علما انجام می گرفت بود. در این رابطه فهرست های تهیه شده از کتاب ها در سال های ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ ق و ۱۶۰۱ و ۱۶۰۲ م (محبوب، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۲۱) نشان می دهد که تعداد ۷۹ کتاب در موضوع تفسیر و سایر امور مذهبی در کتابخانه آستان قدس موجود بوده است. شاهزاده سلطانم که خواهر شاه طهماسب (محبوب، ۱۳۹۱: ۱۰۶ تا ۱۱۰) و همچنین شاه عباس و شاه سلیمان از واقفان کتاب های مذهبی و قرآن به کتابخانه بوده-اند (خسروانی شریعتی، ۱۳۷۵: ۹۸). از فواید موقوفات آستان قدس رضوی ایجاد و گسترش کتابخانه ها و فراوانی کتب باز نویسی شده علوم دینی و فقهی شیعه بود که فراگیری بیشتر علم پژوهان و در نتیجه گسترش و توسعه تشیع را به دنبال داشت.

سومین دستاورد موقوفات برگزاری مراسمات مذهبی در تمامی مدارس موقوفه، مساجد، آستان های مقدسه به ویژه آستان قدس رضوی در عصر صفوی می باشد. توجه به مظاهر و شعائر فرهنگی تشیع در مدارس یکی از مهم ترین اهداف تأسیس مدارس، صرف نظر از انگیزه های دیگر، گسترش و تثبیت مذهب تشیع بود. این هدف در وقفنامه های به جامانده از مدارس این دوره به روشنی مشاهده می شود. برای نمونه، در وقفنامه مدرسه "امامیه" اصفهان

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۵۱۸۱، هدف بنای مدرسه نشر علوم دینی و معارف یقینی و رواج و رونق اسلام ذکر شده است. بی گمان مقصود از معارف دینی و اسلام در اینجا علوم مربوط به مذهب دوازده امامی است. در وقفنامه‌های مدارس این دوره برگزاری آئین و شعائر مذهبی شیعه، مانند برگزاری آیین سوگواری و روضه‌خوانی در ایام محرم یا روز شهادت امام علی(ع) و سایر مناسبت‌ها از شروط اصلی بسیاری از واقفان مدارس که عاملی مهم در نزدیکی مردم به مدارس و فراگیر شدن این مظاهر فرهنگی در میان توده‌های مردم بود. کمتر مدرسه‌ای را در عصر صفویه می‌توان یافت که به ترویج شعائر مذهبی شیعه اهتمام نداشته باشد. برای نمونه، واقف مدرسه "نواب" مشهد چنانکه در تصویر سنگ نوشته مدرسه نواب در مرکز اسناد اداره کل اوقاف خراسان آمده، سالیانه مبلغ بیست و پنج تومان برای عزاداری در ایام محرم در نظر گرفته است. مدارسی که از موقوفات و امکانات مالی بیشتری برخوردار بودند، نقش پررنگ‌تری در این زمینه ایفا می‌کردند.

در عصر صفویه اشاعه فرهنگ شیعه با برگزاری مراسم عزاداری و روضه‌خوانی و گرامی داشت اعیاد اسلامی در حرم ادامه یافت. نخستین سند درباره روضه خوان حرم به سال ۱۰۲۶ ق/۱۶۱۷ م مربوط است. اما افزایش ایجاد موقوفات برای روضه‌خوانی و تعزیه در حرم، در دوره شاه سلطان حسین بود که خود شاه ایجاد کرد و پس از او ابوالحسن صاحب نسق آستانه، میرزا محمد مومن وزیر شاه طهماسب دوم، نادرقلی حاکم مشهد (نادرشاه) و آقابشارت و بسیاری از مردم وقف در این باره را ادامه دادند. مراسم مذهبی متعدد که به استناد اسناد از دوره شاه عباس دوم، سال ۱۰۶۷ ق/۱۶۵۶ م، در حرم حضرت رضا برگزار می‌شده است (فاطمی مقدم، ۱۳۹۴: ۳).

بررسی موقوفات آستان قدس رضوی در گسترش فرهنگ شیعی در دوره قاجار با توجه به گستردگی تشکیلات آستانه، متولیان، وظایف و مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده داشتند که به مهم‌ترین آن‌ها در زمینه‌های مذهبی، فرهنگی، عمرانی و اداری - مالی اشاره می‌شود (موتمن، ۱۳۴۸: ۳۲۹). برپایی جشن و اطعام در ایام ولادت و تشویق ثروتمندان برای وقف موقوفه به آستانه (مولوی، ۱۳۵۸: ۲۳۰). تبیین قاریان قرآن برای قرائت در صحن‌های حرم (خراسانی، ۱۳۴۷: ۵۸۲). رتق و فتق امور مربوط به مکتب‌خانه‌ها، مدارس و مواجب معلمین آن‌ها به صورت نقدی و غیرنقدی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها نظارت بر کتابخانه و مرمت کتاب‌های موجود در آن، نظارت بر اداره صحیح مدارس را می‌توان نام برد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۳۶). در زمان تولیت موسی خان بر آستان قدس کتابخانه‌ها به ویژه نقش کتابخانه آستان قدس در ارتقای فرهنگی و گسترش تشیع در خور توجه است. توجه او به امور فرهنگی، توسعه و گسترش مراکز علمی، سبب پویایی امور آستانه و نشر مبانی دینی تشیع شد.

نتیجه‌گیری

از نتایج مهم حضور امام رضا(ع) از زمان ورود ایشان به ایران و در دوران ولایتعهدی و فعالیت‌های ایشان در خراسان رشد کمی و کیفی و گسترش تشیع و علاقه‌مندی بیشتر این مردمان به سوی اهل بیت پیامبر(ص) بود. زیرا هم از نظر کمی مردم خراسان بزرگ به دلیل عدم طی کردن مسافت زیاد به حضور امام رضا می‌آمدند و هم از نظر کیفی با شنیدن احکام اعتقادی و عملی بدون واسطه از امام با تشیع حقیقی‌اشنایی کامل پیدا کردند، خراسان سابقه دیرینه‌ای در همراهی با خاندان پیامبر

و علویان داشته و عباسیان با سوء استفاده از همین علاقه‌مندی خراسانیان به تشیع شعار چند پهلوی "الرضا من آل محمد" را برای نهضت خود برگزیدند و خراسانیان که از آل محمد (ص) منظوری جز آل علی (ع) نمی‌دیدند، به این نهضت پیوستند. تمایل‌های شیعی خراسانیان حتی در دعوت از امام رضا (ع) به خراسان در خور تأمل است. ولی پس از شهادت امام و زمامداری حکام اهل تسنن، در خراسان تشیع در اقلیت قرار گرفت تا اینکه در طول زمان با گرد آمدن علما و مردم دوست دار اهل بیت پیامبر در اطراف مرقد امام قصبه مشهدالرضا و بعداً شهر مشهد ایجاد گردید و به دنبال افزایش جمعیت شیعه در مشهدالرضا سیل موقوفات مردم و بعضی حکام شیعی مذهب به ویژه حاکمان صفویه که اراده کرده بودند مذهب تشیع را در سراسر حکومت خود رسمیت دهند افزایش چشم‌گیری یافت بعضی از دستاوردهای موقوفات می‌توان ایجاد مدارس علوم دینی جهت پرورش کارشناسان تشیع، احیای و بزرگداشت مراسمات مذهبی، تهیه کتب علمی-مذهبی و ایجاد کتابخانه‌های بزرگ را نام برد که با ازدیاد این مدارس مبلغین جهت توسعه فرهنگ و علوم تشیع در تمامی نقاط ایران برای تبلیغ تشیع پراکنده شدند موقوفات با تأسیس دولت صفوی، در حکم ابزاری برای نهادینه سازی فرهنگ شیعه در آستانه‌های مقدس ایران به ویژه مشهد به کار گرفته شد. در نتیجه ایجاد موقوفات برای آستان مقدس حضرت رضا (ع)، بنیادی شکوهمند بنا شد که پویایی و پایایی آن در راستای گسترش فرهنگ شیعه تاکنون تضمین شده است و این نمادی از اوج موفقیت واقفان اعم از حکومت و مردم در رسیدن به اهداف تعیین شده در سیاست مذهبی شیعه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:**کتاب‌ها:**

- آقاجری، سیدهاشم. (۱۳۸۹). مقدمه ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، ویرایش دوم، تهران: طرح نو
- ابن‌الشعبه الحرانی، حسن بن علی بن حسین. (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل رسول، ترجمه علی اکبر غفاری، احمد جنتی، قم: موسسه نشر اسلامی.
- ابن‌اثیر، عزالدین. (۱۳۵۱). الكامل فی التاریخ (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه: عباس خلیلی، ج ۱۴، تهران: شرکت-چاپ و انتشارات علمی.
- اشکوری، سیدصادق. (۱۳۸۷). اسناد موقوفات اصفهان. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان، ج ۳، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۳۳۹). مقاتل الطالبین، ترجمه جواد فاضل، ج ۲، تهران: کتاب فروشی علمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۱۳۶۲). مطلع الشمس، با مقدمه محمد پیمان، ج ۲، تهران: پیشگام.
- افندی، میرزا عبدالله. (۱۴۰۱). ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء. تحقیق سیداحمد الحسینی، ج ۲، قم: مطبعه الخیام.
- برتولد، اشپولر. (۱۳۶۴). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه: جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی، فرهنگی.
- بروکلمان، کارل. (۱۳۴۶). تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه: هادی جزایری، تهران: بنگاه ترجمه نشر کتاب.
- ترکمان. اسکندریگ. (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی. تصحیح ایرج افشار، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۲). تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۶). مقالات تاریخی (دفتر چهارم)، ج ۴، قم: انتشارات دلیل ما.
- جهان‌پور، فاطمه. (۱۳۸۷). تاریخچه مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.
- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۵۹). تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران: دنیای کتاب.
- حسینی‌خاتون‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۲). وقایع‌السنین و الاعوام. تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- خراسانی، محمد هاشم. (۱۳۴۷). منتخب التواریخ، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- خواجویان، محمد کاظم. (۱۳۷۹). تاریخ تشیع، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

صدوق، محمدبن علی. (۱۳۷۳). عیون اخبار رضا، ترجمه: حمید رضا مستغیذ، علی اکبر غفاری، ج ۲، تهران: صدوق. صفت گل، منصور. (۱۳۸۱). ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: تاریخ تحولات دینی ایران در سده دهم تا دوازدهم هجری، تهران: رسا.

عطار دی، عزیزالله. (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس، ج ۱ و ۲، تهران: عطار.

خواندمیر، غیاث الدین. (۱۳۳۳). تاریخ حبیب السیر، ج ۴، تهران: خیام.

فصیح خواف، احمد بن محمد. (۱۳۴۱). مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، ج ۱، تهران: باستان.

کریستین پرایس. (۱۳۸۹). تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

مجتهدی، کریم و دیگران، (۱۳۷۹) مدارس و دانشگاه های اسلامی و غربی در قرون وسطی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

محبوب فریمانی، الهه. (۱۳۹۱). تاریخ کتابخانه آستان قدس از صفویه تا قاجاریه براساس اسنادی از آستان قدس رضوی، مشهد: آستان قدس رضوی.

منقری، نصر بن مزاحم. (۱۳۷۰). وقعه صفین، ترجمه پرویز اتابکی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی.

مولوی، عبدالحمید. (۱۳۵۸). پیش نویس فهرست موقوفات آستان قدس، ج ۳، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.

مؤتمن، علی. (۱۳۴۸). تاریخ آستان قدس رضوی، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران

میرزا سمیعا، محمدسمیع. (۱۳۷۸). تذکره الملوک، به کوشش سیدمحمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.

ناصری داودی، عبدالحمید. (۱۳۸۶). تاریخ تشیع در افغانستان از آغاز تا قرن دهم، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

مقالات:

حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۲). «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه»، منبع: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۷۰-۷۱

خسروانی شریعتی، سید محمود. (۱۳۷۵). «مروری بر وقف نامه های قرآن براساس نسخه های کتابخانه آستان قدس رضوی»، مشکوه، ش ۵۲، صص ۱۰۱-۸۹.

علیزاده بیرجندی، زهرا؛ ناصری اکرم. (۱۳۹۱). «تاثیر کارکرد متولیان آستان قدس رضوی در فرهنگ تشیع»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش تاریخ اسلام، شماره ۶، صص ۱۰۷-۷۷.

فاطمی مقدم، زهرا. (۱۳۹۱). «بررسی تحلیلی مراسم نخل بندی در دوره صفویه با بهره گیری از اسناد آستان قدس رضوی»، پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ش ۳، صص ۷۰-۳۲.

طلایی، زهرا. (۱۳۹۷). «سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ دانشگاه اصفهان، شماره اول، صص ۱۵۲-۱۲۹.